

تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران

دکتر علی دهقانی^{۱*}، افسون یحیی پور^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

پایداری مالی، به‌طور کلی، با سیاست‌های جاری و آتی دولت‌ها مرتبط است. اگر دولت‌ها انتظار نداشته باشند که سیاست‌های جاری و آتی به برقراری محدودیت بین دوره‌های بودجه منجر شود، به آن سیاست مالی ناپایدار گفته می‌شود. در این پژوهش، درباره تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران، طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۳، با استفاده از روش ARDL بررسی انجام شده است. از لگاریتم تولید ناخالص داخلی به‌عنوان رشد اقتصادی متغیر وابسته و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن اقتصادی و اقدامات سیاست مالی، شامل مخارج مصرفی دولت در بخش عمرانی و جاری و درآمد مالیاتی دولت، به‌عنوان متغیرهای مستقل برای برآورد مدل، استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده آن است که وقفه تولید ناخالص داخلی تا دو سال تأثیر مثبت و معناداری بر متغیر رشد دارد و متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درآمد مالیاتی، درجه باز بودن اقتصادی و مخارج مصرفی دولت تأثیر مثبت معناداری بر رشد اقتصادی دارند. تأثیر مخارج جاری دولت و مصارف دولت در بخش جاری تأثیر منفی و معناداری تا دو دوره بر تولید ناخالص داخلی در کشور دارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست مالی، رشد اقتصادی، درجه باز بودن اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

بیان مسئله

اقتصادی نشان داده شده است که در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه می‌شود (عبده تبریزی، ۱۳۷۷).

بازارهای مالی پیشرفته، نظیر بازارهای مالی کشورهای پیشرفته صنعتی، حجم قابل ملاحظه‌ای از سرمایه مالی اقتصاد مربوط را در کنترل دارند. این بازارها انگیزه پس‌انداز کردن و تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری را با هدف تشکیل سرمایه به‌عهده دارند و از این رو، نقش مهمی در تسریع رشد اقتصادی

سیاست‌های مالی، دارای نقش کلیدی در تجهیز و هدایت وجوه موجود در اقتصاد به سمت بخش‌های تولیدی و صنعتی و به تبع آن، بهبود رشد اقتصادی هستند. تا حدی که به عقیده برخی اقتصاددانان، گسترش بازارهای مالی، موتور محرک رشد اقتصادی کشورها است (صمدی، همکاران، ۱۳۸۶). همراه با گسترش زمینه‌های افزایش تولید و بهره‌وری در اقتصاد ملی، میزان پیشرفت جامعه با میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در آن، رابطه همسو و متناسب دارد. در بسیاری از پژوهش‌های

تأثیرگذاری در فعالیتهای اقتصادی است. ابزاری، نظیر تغییر در مالیات‌ها و تغییر در هزینه‌های دولت و ساختار آن که در این نوع تثبیت استفاده می‌شوند. جزء تثبیت‌کننده‌های اختیاری^۴ به‌شمار می‌روند. بر این اساس، این پژوهش به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش است: متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست مالی چگونه باعث افزایش رشد اقتصادی ایران می‌شوند؟

مبانی نظری

در زبان ایتالیایی، *II Fisco* به‌معنای بنگاهی است که مالیات را جمع‌آوری می‌کند. بر این اساس، سیاست مالی، عبارت است از سیاست‌هایی که به مالیات وابسته‌اند. باوجود این، انقلاب کینزی مفهوم سیاست مالی را تغییر و آن را از سمت درآمد یا مالیات به‌سمت درآمد و مخارج سوق داده است. بر این اساس، سیاست مالی به دستکاری مالیات‌ها و مخارج عمومی برای اثرگذاری بر تقاضای کل اشاره دارد. باتوجه به تعریف کینزی، جریان پرداخت‌ها و دریافت‌های دولت ابزارهای اصلی سیاست‌های مالی هستند؛ به‌طوری که مخارج دولت، عبارت است از بهای کالاها و خدماتی که در حدود فعالیت دولت پرداخت می‌شود و مالیات، وجوهی است که دولت براساس قانون برای تأمین مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات دریافت می‌کند (کیل و مهفوز،^۵ ۲۰۰۲).

دولت و اهداف پیشروی آن، نقش بسیار مهمی در تعیین ماهیت سیاست‌های مالی در جامعه دارد. در این ارتباط، زمانی که دولت با مسائل اجتماعی و پیامدهای سیاسی ناشی از آن مواجه شود، به‌دنبال سیاستی برای حل یا تخفیف آنها خواهد بود. برای مثال، اغلب دولت‌ها هنگام انتخابات، سیاست کاهش تورم و افزایش کمک‌های بلاعوض و رفاه عمومی را

ایفا می‌کنند (ختابی و همکاران، ۱۳۸۵). با گسترش بازارهای مالی، امکان و زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد و در بخش خصوصی این توانایی وجود دارد که انواع راهکارهای متناسب با نیازهای این بخش، برای پس‌انداز در شرایط با ریسک کمتر انتخاب شود. همچنین، تجهیز منابع حاصل از وجوه پس‌اندازکنندگان و هدایت آنها به فعالیتهای اقتصادی سودآور و دارای ارزش افزوده بالا، ممکن است باعث افزایش رشد اقتصادی شود (لویس،^۱ ۲۰۰۴).

دولت‌ها سیاست مالی را برای تأثیرگذاری در سطح تقاضای عمومی در اقتصاد استفاده می‌کنند. آنها می‌کوشند اهداف اقتصادی، نظیر ثبات قیمت‌ها اشتغال کامل و رشد اقتصادی را به‌دست آورند. کینزی‌ها استدلال می‌کنند که این روش در زمان رکود یا فعالیتهای اقتصادی پایین، به‌عنوان یک ابزار اساسی برای ساختن چارچوب رشد اقتصادی قوی و کارآ به‌سمت اشتغال کامل، استفاده می‌شده است. در این تئوری، کسری بودجه از طریق یک اقتصاد گسترده و پروتوق پرداخت می‌شود؛ این استدلال، بیانگر معامله‌ای جدید بود (دورنبوش^۲ و فیشر^۳، ۱۳۹۲). برای مثال، اغلب دولت‌ها در هنگام انتخابات، سیاست کاهش تورم و افزایش کمک‌های بلاعوض و رفاه عمومی را در پیش می‌گیرند. سیاست مالی، عبارت است از سیاست دولت درباره‌ی سطح خریدهای دولت، سطح پرداخت‌های انتقالی و ساختار مالیاتی در اقتصاد و علوم سیاسی. در سیاست مالی از دو ابزار درآمد دولت (مالیات) و مخارج دولت (هزینه) برای تأثیرگذاری در اقتصاد استفاده می‌شود. تغییرات در سطح و ترکیب مالیات و مخارج دولت می‌تواند متغیرهای زیر را در اقتصاد تحت‌تأثیر قرار دهد:

— تقاضای کل و سطح فعالیتهای اقتصادی،

— الگوی تخصیص منابع،

— توزیع درآمد.

سیاست مالی، مؤید استفاده از بودجه دولت برای

1. R. Levine 2004

2. Dornbush

3. fisher

4. Discretionary stabilizers

5. Hemming, Kell & Mahfouz

با فقر، کاهش فاصله طبقاتی، کمک به گروه‌های کم‌درآمد که جزء برنامه‌های توزیع مالی به‌شمار می‌آید، از جمله اهداف سیاست هستند. در ادامه، برخی از این اهداف توضیح داده می‌شود (جعفر صمیمی، ۱۳۹۲).

به این ترتیب، مبانی تئوریک پیرامون تأثیرگذاری سیاست مالی بر بخش واقعی اقتصاد را می‌توان به دو مکتب فکری کینزی و غیرکینزی تقسیم کرد. دیدگاه غیرکینزی بر این باور است که با توجه به انعطاف‌پذیری قیمت‌ها و عرضه ثابت پول، هر افزایشی در مخارج دولت از طریق کاهش مخارج بخش خصوصی جبران می‌شود و در نتیجه، تأثیری بر سطح تولید نخواهد داشت. از این رو، براساس دیدگاه غیرکینزی، ضریب فزاینده مخارج دولت نزدیک به صفر است (فورد^۲، ۲۰۱۳). در طرف مقابل، براساس دیدگاه کینزی و مکاتب شکل‌گرفته پیرامون آن، سیاست مالی از کانال‌های تقاضا و عرضه بر تولید تأثیرگذار است. از کانال تقاضا، افزایش در مخارج دولت و کاهش مالیات به افزایش تقاضای مؤثر در دوران رکود اقتصادی منجر خواهد شد که این امر نیز بر تأثیرگذار بودن سیاست مالی بر طرف تقاضا و تولید دلالت دارد. از کانال عرضه نیز، کینزین‌های جدید با اشاره به بازار رقابت انحصاری و چسبندگی دستمزدها و قیمت‌ها، به دلایلی مانند ۵ فرضیه دستمزد کارآ، هزینه‌های منوال^۳ و نواقص بازار سرمایه بر تأثیر انکارناپذیر سیاست‌های مالی بر بخش واقعی اقتصاد اشاره دارند (گرین‌والد و استگلitz^۴، ۱۹۸۷: ۱۲۳).

در سطح بنگاه، صنایع و کشورها به‌صورت انفرادی و مجموعه‌ای از کشورها به‌صورت مقایسه‌ای، نشان‌دهنده رابطه‌ای مثبت و قوی بین عملکرد سیستم مالی و رشد اقتصادی هستند. در خصوص مخارج دولت، باید کنترل‌های بیشتری صورت گیرد. کنترل به این معنا نیست که دولت‌ها مخارج خود را کاهش دهند، بلکه به‌معنای تخصیص بودجه هوشمندانه است. بین مخارج در بخش‌های زیرساخت، آموزش و پرورش، سلامت و تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی

در پیش می‌گیرند؛ در حالی که، اگر مهم‌ترین هدف، کاهش وابستگی اقتصادی و حفظ استقلال اقتصادی باشد، دولت تلاش می‌کند در مخارج ارزی خود به‌نحوی صرفه‌جویی کند که حتی‌المقدور گرفتار کسری تراز پرداخت‌ها و انباشت بدهی خارجی نشود و در صورتی که بیکاری مشکل عمده جامعه باشد، هدف اصلی دولت، ایجاد اشتغال و افزایش تولید خواهد بود. بنابراین، دولت‌ها بعد از مشخص کردن هدف مد نظر، سیاست‌های مالی مناسب برای تحقق اهداف را انتخاب می‌کنند. بر این اساس، سیاست مالی را می‌توان به دو دسته سیاست‌های مالی انبساطی و سیاست‌های مالی انقباضی طبقه‌بندی کرد. به‌طوری‌که:

سیاست مالی انبساطی در شرایط کمبود تقاضا که اقتصاد در وضعیت عدم اشتغال کامل و به‌ویژه در شرایط رکودی قرار دارد، انتخاب می‌شود و به‌صورت افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها، به بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف رکودی می‌انجامد. شایان ذکر است، سیاست‌های مالی انبساطی در ادبیات مربوط به‌عنوان محرک‌های مالی مطرح است.

سیاست مالی انقباضی در شرایط مازاد تقاضا انتخاب می‌شود که سیاست مناسبی برای کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات و کاهش مخارج دولت محسوب می‌شود (برانسون^۱، ۱۳۸۴). دولت‌ها از سیاست مالی، به استناد ویژگی‌هایی که دارد، برای رسیدن به اهداف خود در سطح کلان استفاده می‌کنند. بر این اساس، اهداف سیاست مالی در چارچوب وظایف اقتصادی بخش عمومی و با توجه به شرایط اقتصادی و چالش‌های سیاسی پیش روی دولت‌ها مشخص می‌شود.

به‌طور کلی، برنامه‌های مختلف دولت در دستیابی به اهدافی، مانند اشتغال کامل، تثبیت قیمت‌ها، موازنه تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی در قالب وظیفه تثبیت، یا تحقق عدالت اجتماعی که در نتیجه تخصیص بهینه منابع روی می‌دهد و یا اهدافی چون ارائه کالا و خدمات عمومی، مبارزه

1. branson
2. Ford

3. Menu Costs
4. Greenwald & Stiglitz

است بهترین گزینه باشد(تقی‌زاده حساری، ۱۳۹۴). نتایج تحلیل‌های تجربی و شواهد عینی کینگ و لوین(۱۹۹۳)، لوین(۱۹۹۷)، و ختایی و خاوری‌نژاد(۱۳۷۷)، در سطح بنگاه‌ها، صنایع و کشورها به‌صورت انفرادی و مجموعه‌ای از کشورها به‌صورت مقایسه‌ای، نشان‌دهندهٔ رابطه‌ای مثبت و قوی بین سیستم عملکرد مالی و رشد اقتصادی بلندمدت هستند.

فراگیر، رابطهٔ نزدیکی وجود دارد. از طرف دیگر، رشد فراگیر، تنها با افزایش مخارج در این بخش‌ها محقق نمی‌شود، بلکه همزمان باید بهره‌وری سرمایهٔ فیزیکی و سرمایهٔ انسانی ارتقا یابد. برای محقق شدن رشد بلندمدت، در بخش درآمدی دولت نیز باید اقدامات مؤثری نظیر اصلاح ساختارهای مالیاتی انجام گیرد.

در یک نظام مالیاتی خوب، انحرافات سرمایه‌گذاری و کار به حداقل می‌رسد. تمرکز بیشتر بر انواع مالیات بر مصرف(مالیات بر ارزش افزوده) و مالیات بر دارایی ممکن

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های داخلی

جدول ۱. خلاصهٔ مطالعات داخلی انجام‌شده در زمینهٔ موضوع پژوهش

محقق (محققان) و سال تحقیق	موضوع تحقیق	روش تحقیق	نتیجه
غلامی و هزبرکیانی(۱۳۹۵)	بررسی کارایی سیاست‌های مالی انبساطی در ایران: مقایسهٔ تطبیقی الگو VAR خطی و آستانه‌ای	VAR خطی و آستانه‌ای $Y_t = \alpha_1 X_t + U_t$	تولید ناخالص داخلی به درآمدهای مالیاتی در مدل خطی و در شرایط شکاف تولیدی مثبت تقریباً یکسان و تأثیرگذاری مخارج دولت بیشتر از درآمدهای مالیاتی است. افزایش مخارج دولت در الگوی آستانه‌ای کارآترین محرک مالی است.
رضاقلی‌زاده (۱۳۹۴)	ارزیابی اثرات سیاست‌های مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران	الگوی تصحیح خطای برداری $Y_t = C + \sum_i^k \beta_i Y_t + \sum_i^k \beta_i P + U$	می‌توان گفت رابطهٔ تعادلی بلندمدت بین افزایش مالیات‌ها و اشتغال وجود دارد و طی دورهٔ مورد بررسی، افزایش مالیات‌ها بر ایجاد اشتغال تأثیر منفی دارد.
یونسی و همکاران(۱۳۹۴)	بررسی سیاست‌های مالی و مطلوبیت خانوار: رویکرد یک مدل ریاضی	رهیافت کنترل بهینهٔ پویا $f(k, g) = AK^\alpha g^\beta$ $\ln Y_t = \ln A + \alpha \ln K + \beta \ln g$	نرخ رشد بهینهٔ مخارج دولت تابع نرخ ترجیح زمانی، ضریب تابع مطلوبیت و مقدار مخارج دورهٔ قبل خواهد بود. همچنین، نرخ رشد بهینهٔ درآمدهای مالیاتی دولت تابع نسبت مخارج بخش خصوصی به بخش دولتی، نسبت سرمایه‌گذاری بخش دولتی به بخش خصوصی است.
غلامی و هزبرکیانی (۱۳۹۲)	بررسی آثار سیاست‌های مالی در ایران با تأکید بر فضای کلان اقتصادی، بررسی زمان وقوع شوک‌های سیاست‌های مالی	از برآورد الگوی خودرگرسیو مرتبهٔ اول $\Delta G_t = \alpha + \beta \Delta G_{t-1} + \varepsilon$	شوک مخارج دولت باوجود تأثیرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی در شرایط خوب و بد اقتصادی، تأثیرگذاری مثبت بیشتری در شرایط بد اقتصادی دارد.
حیدری و سعیدپور(۱۳۹۳)	بررسی تجزیه و تحلیل تأثیر شوک‌های سیاست مالی و ضرایب فزایندهٔ مالی اقتصاد ایران	پویای تصادفی(DSGE) $\text{MaxE}(u(c)-v(L)+w(M)+\beta \varepsilon \{u(c)-v(L)+w(M)\})$	شوک افزایش مالیات به کاهش تولید در کوتاه‌مدت منجر می‌شود. شوک افزایش مخارج دولت باعث افزایش تولید در کوتاه‌مدت و افزایش تورم در بلندمدت می‌شود.
حیدری و سعیدپور(۱۳۹۳)	بررسی تجزیه و تحلیل تأثیر شوک‌های سیاست مالی و ضرایب فزایندهٔ مالی اقتصاد ایران	پویای تصادفی(DSGE) $\text{MaxE}(u(c)-v(L)+w(M)+\beta \varepsilon \{u(c)-v(L)+w(M)\})$	شوک افزایش مالیات به کاهش تولید در کوتاه‌مدت منجر می‌شود. شوک افزایش مخارج دولت باعث افزایش تولید در کوتاه‌مدت و افزایش تورم در بلندمدت می‌شود.

←

→

خلیلی عراقی و سلیمی شندی (۱۳۹۳)	رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشورهای آسیایی	اثر ترکیبی $g = \beta_0 + \beta_1 FDI + \beta_2 FI + \beta_3 (FI * FDI) + \beta_4 (dum * FI * FDI) + C + \varepsilon +$	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی برای کشورهای با درآمد بالا که دارای سطح توسعه مالی بالاتری است، بیشتر از کشورهای با درآمد پایین و متوسط است.
صمیمی، علیم و همکاران (۱۳۹۲)	اثر بخشی ابزارهای سیاست مالی دولت در استان‌ها سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۷	با داده‌های ترکیبی پویا و GMM $Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 + \gamma FV_{it} + \sigma X_{it} + \theta Y_{it} - 1 + \varepsilon_{it}$	میزان تأثیرپذیری تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور از مخارج سرمایه‌ای بیشتر از مخارج مصرفی است و ادوار تجاری در اقتصاد ایران، اثر محسوس و معناداری بر اندازه ضریب تکاثری مخارج دولت ندارد.
افشاری و همکاران (۱۳۹۱)	اثر تثبیت‌کنندگی خودکار سیاست‌های مالی بر سیکل تجاری در کشورهای منتخب عضو اوپک	تکنیک داده‌های پانل $\sigma(y)_i = \alpha + \beta \cdot Gav \cdot Size_i + V_i$	بنابراین، برای هموارکردن نوسانات سیکل تجاری در کشورهای پرنوسان، افزایش درآمدهای مالیاتی (تعدیل شده برحسب GDP) از طریق گسترش پایه مالیاتی توصیه می‌شود.
راستی (۱۳۸۹)	آثار درجه باز بودن تجاری و مالی بر عملکردهای اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو گروه دی هشت	پانل دیتا $F = \beta_1 + \beta_2 d(LGDP) + \beta_3 TO + \beta_4 FO B_5 TOFO + \varepsilon + u$	تأثیرپذیری مثبت توسعه مالی و منفی رشد اقتصادی از درجه باز بودن تجاری و عدم تأثیرپذیری متغیرهای مذکور از درجه باز بودن مالی دارد.

پژوهش‌های خارجی

جدول ۲. خلاصه مطالعات خارجی انجام شده در زمینه موضوع پژوهش

محقق (محققان) و سال تحقیق	موضوع تحقیق	روش تحقیق	نتیجه
کلیم و آتیناس (۲۰۱۶) ^۱	تأثیر سیاست مالی اختیاری بر رشد اقتصادی برای نمونه‌ای از ۱۸ کشور اتحادیه اروپا طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۸	پانل $dpns_{it} = pns_{it} - pns_{it-1}(1 + \pi_{it})$	تثبیت مالی، به‌طور کلی، تأثیر منفی بر رشد در کوتاه‌مدت دارد. کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف دولتی نشان‌دهنده کاهش رشد است. افزایش مالیات غیرمستقیم تأثیر منفی قوی دارد
کریل (۲۰۱۶)	تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی در نیجریه	(OLS) $GDP = a_0 + a_1 \beta_1 + a_2 \beta_2 + a_3 \beta_3 + a_4 \beta_4 + U_i$	هزینه‌های دولت به‌طور قابل‌توجهی با درآمد دولت رابطه مثبت دارد. هزینه‌های سرمایه‌گذاری، بسیار کمتر از هزینه‌های دیگر بود که نشان‌دهنده رشد ضعیف اقتصاد کشور است.
یالومیتیانو، دانو و بکوی (۲۰۱۶)	تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی در زمانی		راهبردهای تثبیت مالی کارآمد، که می‌تواند رشد اقتصادی پایدار را از طریق تأمین منابع مالی پایدار تأمین کند.
ماسک و جانکو (۲۰۱۵)	تأثیر سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی براساس شرایط سازمانی	تست‌های رگرسیون پانلی	نتایج نشان‌دهنده تأثیر منفی مالیات برای رشد اقتصادی در کشورهای دارای شرایط نامساعد است. توضیح این نتیجه می‌تواند به شفافیت مالی مختلف و سطح اقتصادی مختلف مرتبط باشد.
سلویا، مری، دیوید و آدلینه (۲۰۱۵)	سیاست مالی و رشد اقتصادی در نیجریه: تأکید بر اجزای مختلف هزینه‌های عمومی	(OLS) $\ln Y = X_0 + X_1 \ln A + X_2 \ln C + X_2 \ln T \& CO U$	مخارج دولتی با افزایش درآمد دولتی افزایش می‌یابد. از این رو، شواهد نشان‌دهنده همبستگی مثبت بین هزینه‌های دولت برای خدمات اقتصادی و رشد اقتصادی است.

←

مورتنی و سمندری (۲۰۱۴)	بررسی تأثیر متغیرها بر سیاست مالی	علیت گرنجر و الگوی تصحیح خطا	علیت یک طرفه میان توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد.
بانک سولی ^۱ (۲۰۱۲)	اثر سیستم‌های مالی مبتنی بر بازار و مبتنی بر بانک بر روی رشد اقتصادی	نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای ژاپن، انگلیس و امریکا؛ بازار سرمایه و در آلمان، فرانسه و کره جنوبی؛ نظام بانکی نقش مهم‌تری در بهبود رشد اقتصادی داشته است.	
چوته و کربی ^۲ (۲۰۱۲)	بررسی سیاست مالی در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ برای ۵۰ کشور	پنل	توسعه مالی یک رابطه U شکل معکوس بر رشد اقتصادی داشته است.
زهیرخان ^۳ (۲۰۱۱)	بررسی متغیرهای مالی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در کشور پاکستان	تصحیح خطا $Y = \alpha + \beta 1 (NTX) + \beta 2 (IR) + \beta 3 (CPI) + \beta 4 (GXP) + \beta 5 (PG) + \beta 6 (GFCF) + \mu i (1)$	سیاست مالی بر توسعه اقتصادی بلندمدت تأثیر می‌گذارد. سیاست مالی برای رشد پایدار اقتصادی در پاکستان بسیار مهم است و اقدامات سیاست‌های مالی بیشتر از پدیده‌های بلندمدت است و نه کوتاه‌مدت.

پرسش‌های پژوهشی

۱. مخارج دولت چه تأثیری بر رشد اقتصادی دارد؟
۲. مالیات چه تأثیری بر رشد اقتصادی ایران دارد؟
۳. درجه باز بودن اقتصاد چه تأثیری بر رشد اقتصادی ایران دارد؟
۴. مخارج مصرفی چه تأثیری بر رشد اقتصادی ایران دارد؟
۵. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چه تأثیری بر رشد اقتصادی ایران دارد؟

فرضیه‌های پژوهشی

۱. مخارج دولت تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد.
۲. مالیات تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد.
۳. درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد.
۴. بین مخارج مصرفی و رشد اقتصادی ایران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.
۵. بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

ابزارهای سیاست مالی

باتوجه به تعریف کینزی، جریان پرداخت‌ها (مخارج دولت) و دریافت‌های دولت (مالیات)، ابزارهای اصلی سیاست‌های مالی هستند. مخارج (عمومی) دولت عبارت است از بهای کالاها و خدماتی که در حدود فعالیت دولت پرداخت می‌شود. در حالی که، مالیات به زبان ساده، جوهری است که دولت بر اساس قانون برای تأمین مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی، در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دریافت می‌کند. به‌طور کلی، در سیستم مالیاتی، مالیات‌ها را می‌توان از لحاظ منابع و روش‌های اخذ مالیات تقسیم‌بندی کرد. بر اساس منابع اخذ مالیات، سه منبع اصلی برای کسب درآمد مالیاتی، شامل درآمد، مصرف و ثروت مطرح می‌شود. از حیث چگونگی وصول درآمدهای مالیاتی نیز می‌توان به دو روش اصلی مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد که در آمارهای دولتی و در سطح بین‌المللی نیز این نوع طبقه‌بندی به‌طور عمده وجود دارد (غلامی، ۱۳۸۸).

شایان ذکر است که کسری بودجه یا مازاد بودجه نیز از ابزارهای سیاست مالی دولت برای تنظیم ثبات و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند. به‌علاوه، برخی ابزارهای سیاست مالی خودکار و بدون دخالت مسئولان عمل می‌کنند. برای

1. Murthy & Samantaray

2. Bong Soo Lee

3. Cecchetti & Kharroubi

4. Zaheer Khan

دهد. به علت آنچه در اقتصاد «شکست بازار» می‌نامند، مثل سرمایه‌گذاری دولت‌ها در آموزش و سلامت مردم.

۲. از طریق عرضه کارآی خدمات همگانی، اصلی که برای بسترسازی و ایجاد شرایط لازم جهت حضور کارآفرینان و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت لازم است. با حداقل‌سازی هزینه تولید حجم معینی از کالا و خدمات عمومی.

۳. از طرق سامان دادن تأمین مالی فعالیت‌های خود، به‌گونه‌ای که اختلالات سیاست‌های مالی آنها نه تنها بر تصمیم‌گیری بخش خصوصی در امر پس‌انداز و سرمایه به حداقل برسد، بلکه آثار منفی کسر بودجه‌ها و استقراض از نظام بانکی به‌صورتی نباشد که به کم و کیف فعالیت اقتصادی فعالان بازار لطمه وارد سازد.

سه روش مذکور بر منابع دوم و سوم رشد اقتصاد ملت‌ها اثرگذار است و دولت‌ها از طریق آن، رفاه جامعه را فراهم می‌کنند. مشاهده می‌شود که کار از عهده یک تیم، دسته و یا گروه بر نمی‌آید. برای حل این مشکلات بزرگ، حمایت و یاری تمام آحاد مردم برای آبادانی این مرز و بوم لازم است (ارجمندی، ۱۳۹۶).

یکی از ویژگی‌های سیاست مالی مطلوب انعطاف‌پذیری ابزارهای آن، یعنی مخارج و مالیات‌ها است. ولی معمولاً انعطاف‌پذیری لازم در سیاست مالی کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. مالیات به‌سادگی پایین می‌آید، ولی افزایش آن با مشکل همراه است؛ عکس این پدیده برای یارانه‌ها صادق است. مخارج دولت به‌سهولت افزایش می‌یابد، ولی به‌سختی می‌توان آن را کاهش داد. بنابراین، می‌توان گفت، انعطاف‌پذیری مالی به‌آسانی انجام‌پذیر نیست (ابونوری و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش‌ها مؤید این هستند که در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، وجود نظام مالی گسترده و پیشرفته، از پیش‌شرط‌های رشد باثبات و بلندمدت اقتصادی آنها بوده است. یعنی به موازات اینکه این کشورها به رشد و توسعه دست می‌یابند، نظام مالی آنها پیشرفته‌تر می‌شود و فعالیت سیستم‌های مالی در آنها گسترش می‌یابد. بنابراین، بررسی چگونگی اثرگذاری سیستم‌های مالی بر رشد اقتصادی، اهمیت زیادی دارد (مکیان و ایزدی، ۱۳۹۴).

مثال، مالیات تصاعدی یک تنظیم‌کننده خودکار است که به‌هنگام کاهش درآمدهای شخصی و کسب‌وکار، درآمدهای دولت از طریق آن تقلیل می‌یابد و از این راه، در راستای جبران سیر نزولی مصارف مختلف که لازمه دوران کاهش درآمدها است، عمل می‌شود و در مقابل، در دوره گسترش و انبساط اقتصادی، مالیات‌ها می‌توانند سریع افزایش یابند و در نتیجه از فشارهای تورمی بکاهند (غلامی و هژبرکیانی، ۱۳۹۵).

انجام وظایف اجرایی در کشورها معمولاً به دولت محول می‌شود. در نتیجه، عملی ساختن طرح‌ها و برنامه‌هایی که در این چارچوب قرار می‌گیرد، متضمن مخارجی است که برای تأمین آن لازم است منابع درآمدی نیز موجود باشد و استفاده شود. به عبارت دیگر، دولت باید به انجام یکی از مهم‌ترین وظایف مالی خود، یعنی تنظیم بودجه دست بزند و باتوجه به احتیاجات و امکانات موجود در آینده، پیش‌بینی کند که در یک سال آینده (که عموماً سال مالی خوانده می‌شود)، چه هزینه‌هایی را باید در بخش‌های مختلف متحمل شود و منابع درآمد قابل استفاده برای تأمین این هزینه‌ها کدام است. باتوجه به این دو عنصر بودجه دولتی، یعنی دریافت‌ها و پرداخت‌ها، می‌توان ابزار سیاست مالی دولت را به دو گروه اولیه تقسیم کرد:

الف - ابزاری که در جهت دریافت‌ها یا منافع درآمد دولت به‌کار می‌رود، مانند مالیات‌ها و اوراق قرضه و نظایر آن؛

ب - ابزاری که در جهت پرداخت یا مخارج اعمال می‌شود، مانند سیاست کسر بودجه. با استفاده از ابزار سیاست‌های مالی دولت می‌تواند در مقادیر کلان، مانند تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، سطح قیمت‌ها، نرخ اشتغال و ... تأثیر بگذارد (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۴).

سیاست مالی و رشد اقتصادی

سه روش مطرح در دنیا که دولت‌ها از طریق آن بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند:

۱. از طریق تأمین مالی یا عرضه مستقیم سرمایه‌گذاری‌ها که بخش خصوصی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به اندازه کافی ارائه

نوع روش پژوهش

هدف اصلی در هر پژوهشی، کشف، توصیف، تبیین و گسترش دانش پیرامون پدیده‌ها یا پدیده خاص است. روش پژوهش، مجموعه‌ای از قواعد، ابزار، راه‌های معتبر و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه‌حل مشکلات است. روش مناسب در یک پژوهش، باید باتوجه به عنوان، طرح و فرضیه‌های پژوهش انتخاب شود.

پژوهش‌های علمی باتوجه به شیوه جمع‌آوری داده‌ها، به دو دسته پژوهش آزمایشی و پژوهش توصیفی (غیرآزمایشی) تقسیم می‌شوند. پژوهش توصیفی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها، توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای پژوهش توصیفی، ممکن است صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا کمک به فرایند تصمیم‌گیری باشد. بیشتر پژوهش‌های علوم رفتاری را می‌توان در زمره پژوهش توصیفی به‌شمار آورد. پژوهش حاضر، تحقیقی توصیفی^۱ است که در آن، برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و معنادار بودن مدل‌های برآورد شده از تحلیل رگرسیون و روش تخمین حداکثر راست‌نمایی استفاده شده است و از آنجا که در این پژوهش به دنبال دستیابی به یک هدف عملی هستیم، بر مبنای هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است و به‌منظور تطبیق تئوری‌های اقتصادی با واقعیت‌های جامعه، روابط علی بین متغیرها، با استفاده از آمار و ارقام بررسی می‌شود و پس از تطبیق با تئوری‌ها، با استفاده از آمار استنتاجی و روش اقتصادسنجی ARDL، رد یا اثبات فرضیه‌های ارائه شده، آزموده می‌شود. پژوهش‌های کاربردی، پژوهش‌هایی هستند که در آن، نظریه‌ها، قانونمندی‌ها و اصول و فنونی که در پژوهش‌های پایه تدوین شده است، برای حل مسائل اجرایی و واقعی به‌کار می‌رود.

ابزارها و روش گردآوری داده‌های پژوهش

مرحله گردآوری اطلاعات، آغاز فرایندی است که طی آن، محقق، یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای را گردآوری می‌کند و

به روش استقرایی به فشرده‌سازی آنها، از طریق طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل دست می‌زند و فرضیه‌های تدوین شده خود را ارزیابی و درنهایت، حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله مطرح در پژوهش را به اتکای آنها می‌یابد. بنابراین، اعتبار و اهمیت این اطلاعات بسیار زیاد است. باتوجه به توضیحات فوق، این پژوهش با استفاده از سایت بانک مرکزی و سازمان آمار ایران، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها کرده است. به‌علاوه، در این پژوهش، با مراجعه به کتابخانه دانشگاه، از کتاب‌ها، مقالات، مجلات و نیز مجلات هفتگی، ماهانه و فصلنامه‌ها و سایر پایان‌نامه‌های مشابه و جست‌وجو در اینترنت، اقدام به جمع‌آوری متون فارسی و انگلیسی مرتبط با پژوهش شده است.

جامعه آماری و نمونه

«جامعه» به مجموعه‌ای از افراد یا واحدهایی که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند، اطلاق می‌شود (خاکی، ۱۳۹۰: ۲۷۳). هرچه جامعه آماری کوچک‌تر باشد، می‌توان آن را دقیق‌تر از یک جامعه آماری بزرگ‌تر مطالعه کرد. جامعه آماری پژوهش کشور ایران در دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۳ در این تحقیق مد نظر است.

مدل مورد بررسی پژوهش

در این پژوهش، براساس مطالعات گرازا آتیناسی^۲ و کلم^۳ (۲۰۱۶)، درباره کشور ایران در طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۳ بررسی می‌شود. بر این اساس، با استفاده از تولید ناخالص داخلی به‌صورت لگاریتمی و به قیمت ثابت، مانند یک پروکسی از رشد اقتصادی واقعی به‌عنوان متغیر وابسته، همچنین، سیاست مالی به‌عنوان متغیر مستقل که باتوجه به شرایط اقتصادی ایران و سهم بالای دولت در اقتصاد، شامل مخارج مصرفی عمرانی و جاری و نیز درآمدهای مالیاتی و متغیرهایی از جمله درجه باز بودن اقتصادی و نسبت مخارج مصرفی و متغیر سیاست مالی است، بررسی می‌شود:

1. Descriptive research
2. Grazia Attinasi, Maria

3. Klemm, Alexander

از تولید ناخالص داخلی

$$g_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 g_{i,t-1} + \beta_2 Ldfp + \beta_3 tr + \beta_4 LGov + \beta_5 FDI + \varepsilon$$

که در آن:

g: رشد اقتصادی

g-1: رشد اقتصادی با وقفه یک سال

dfp: اقدامات سیاست مالی، شامل لگاریتم مخارج مصرفی

دولت در بخش عمرانی و جاری و لگاریتم درآمد مالیاتی دولت

tr: نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص

داخلی به عنوان شاخصی از درجه باز بودن اقتصاد

FDI: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی

برآورد مدل با استفاده از روش ARDL

برآورد رابطه پویای کوتاه‌مدت

اکنون با اطمینان از سطح مانایی متغیرهای مدل، می‌توان رابطه پویای بین متغیرهای مدل را برآورد کرد. نتایج برآورد مدل پویای ARDL با تعیین وقفه بهینه براساس آماره آکائیک در جدول ۳ برآورد شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین کوتاه‌مدت به روش ARDL

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
LOG(GDP(-1))	۰/۵۸۵۲	۲۱/۲۷۹۵	۰/۰۰۰۰
LOG(GDP(-2))	۰/۲۱۴۷	۷/۵۳۵۸	۰/۰۰۰۰
FDI	۰/۰۲۰۲	۵/۹۱۸۸	۰/۰۰۰۰
FDI(-1)	۰/۰۸۳۹	۶/۴۶۹۸	۰/۰۰۰۰
LOG(GOV_O)	۰/۱۸۹۳	۱۱/۳۵۶۷	۰/۰۰۰۰
LOG(GOV_C)	-۰/۰۴۳۵	-۱/۷۸۷۹	۰/۰۸۳۳
LOG(GOV_C(-1))	-۰/۳۰۴۵	-۱۳/۲۰۳۹	۰/۰۰۰۰
OPEN	۰/۴۳۱۶	۵/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۰
LOG(TAX)	۰/۱۶۴۱	۸/۰۸۹۹	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدأ	۲/۹۸۵۲	۱۰/۱۱۱۳	۰/۰۰۰۰
F=۵۰/۸۵ (۰/۰۰)		R ² =۰/۹۳	
۱/۷۸		دوربین واتسن	
۱/۶۶ (۰/۱۴)		آزمون واریانس ناهمسانی (احتمال)	
۰/۲۹ (۰/۷۵)		آزمون خودهمبستگی سریالی (احتمال)	

منبع: یافته‌های تحقیق

در تمامی نظریات و الگوهای رشد اقتصادی است. از این رو، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از طریق تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی که از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه‌ای است، سبب افزایش تولید و به دنبال آن، رشد اقتصادی می‌شود.

همچنین علامت متغیر درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی، مثبت و از لحاظ آماری، در سطح ۱ درصد و با احتمال بیش از ۹۵ درصد معنادار است. روابط تجاری که هر

همان‌طور که مشخص است، وقفه تولید ناخالص داخلی تا دو سال تأثیر مثبت و معناداری بر این متغیر دارد و نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و افزایش در تولید ناخالص داخلی، موجب افزایش آن در سال‌های آتی می‌شود و این مهم به صورت خودرگرسیون برقرار است.

براساس سایر نتایج این پژوهش، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد، مثبت و از لحاظ آماری معنادار است. سرمایه، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی

که تأثیر درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی، مثبت و معنادار است. این متغیر، نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی در درآمدهای مالیاتی، افزایش ۰٫۱۶ درصدی در تولید ناخالص داخلی را در پی دارد.

در بررسی مخارج مصرفی دولت، باتوجه به تأثیر نوع مخارج، مشخص است که مخارج عمرانی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد؛ به نحوی که افزایش یک درصدی در این مخارج، موجب افزایش ۰٫۱۸ درصدی در تولید ناخالص داخلی می‌شود.

این در حالی است که تأثیر مخارج جاری دولت و مصارف دولت در بخش جاری، باتوجه به تصدی‌گری و اندازه دولت در اقتصادی ایران، تأثیر منفی و معناداری را تا دو دوره بر تولید ناخالص داخلی در کشور دارد. این متغیر نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی در مخارج جاری، کاهش ۰٫۰۴ درصدی در تولید ناخالص داخلی را در پی دارد.

تخمین بلندمدت مدل

قبل از محاسبه رابطه بلندمدت بین متغیرها، ابتدا باید آماره بحرانی بنرجی، دونالدو و مستر (۱۹۹۲) بررسی شود. برای اثبات وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت، می‌توان از جدول ۴ استفاده کرد.

جدول ۴. نتایج آزمون رابطه بلندمدت

در سطح ۹۰٪		در سطح ۹۵٪		آماره F
I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	
۲/۲۶	۳/۲۱	۲/۶۵	۳/۷۹	۳/۲۸

نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل

بعد از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل، رابطه بلندمدت مربوط به مدل ARDL در جدول ۵ نشان داده شده است. شایان ذکر است در حالت بلندمدت،

کشوری در سطح بین‌الملل دارد، ممکن است بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیرگذار باشد. این روابط به به‌کارگیری عوامل تولید بین بخش‌هایی از اقتصاد هر کشور منجر می‌شود که مزیت بیشتری دارد و باعث بهبود بازدهی کل عوامل تولید و تولید ناخالص داخلی هر کشور خواهد شد. میزان تأثیرگذاری تجارت بر بهره‌وری کل عوامل تولید و به‌دنبال آن بر رشد اقتصادی، زمانی قوی‌تر خواهد بود که توأم با انباشت سرمایه انسانی در یک کشور باشد. به عبارت دیگر، بهره‌مندی از تجارت برای کشورهای دارای مهارت بیشتر، نسبت به کشورهای دارای مهارت کم، به‌مراتب بیشتر است. علاوه بر این، براساس تئوری سنتی تجارت بین‌الملل، تجارت آزاد، نوعی بازی با برآیند مثبت است که برای تمامی طرفین منافع بسیاری در پی دارد. براساس این تئوری، وجود محدودیت‌های تجاری، مثل تعرفه یا سهمیه‌بندی واردات، باعث تخصیص ناکارآمد منابع و از بین رفتن منافع تجارت آزاد می‌شود.

در این بررسی، تأثیر درآمدهای مالیاتی دولت به‌عنوان یک سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی در ایران تأثیر مثبت و معناداری دارد. به‌لحاظ کانال کارایی تخصیصی، یکی از مهم‌ترین و مستقیم‌ترین اثرات سیاست مالی بر رشد، از طریق مالیات‌ها صورت می‌گیرد. در این مبحث، نشان داده می‌شود

باتوجه به نتایج جدول ۴، مقدار آماره F از حداکثر مقادیر بحرانی بیشتر است. در نتیجه، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌جمعی بین متغیرهای الگو رد می‌شود. بنابراین، یک رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو وجود دارد.

مدل بدون وقفه‌ها از طریق نرم‌افزار برآورد خواهد شد، چراکه در حالت بلندمدت، وقفه متغیرها مفهومی نخواهد داشت.

جدول ۵. نتایج رابطه بلندمدت

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
FDI_P	۰/۵۲۰۲	۱۱/۸۷۷۰	۰/۰۰۰۰
LOG(GOV_O)	۰/۹۴۵۸	۱۷/۹۴۸۱	۰/۰۰۰۰
LOG(GOV_C)	-۱/۷۳۹۰	-۱۳/۹۰۳۸	۰/۰۰۰۰
OPEN	۲/۱۵۶۹	۴/۱۶۲۴	۰/۰۰۰۲
LOG(TAX)	۰/۸۱۹۸	۹/۳۶۵۸	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدأ	۱۴/۹۱۶۹	۷۳/۶۵۹۱	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

مناسب سیاست‌های مالی در این زمینه است.

نتایج آزمون مدل تصحیح خطا

مدل تصحیح خطا، براساس آنچه در معادلات معرفی مدل ARDL بیان شد، برای بررسی نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت تصریح و برآورد می‌شود.

ضریب جمله تصحیح خطا در این مدل $-۰/۲$ است که براساس مبانی نظری، ضریب ECM منفی و بین صفر و یک و از نظر آماری، معنادار است. این ضریب نشان می‌دهد که اگر از یک دوره به دوره بعد حرکت کنیم، میزان ۲۰ درصد از انحراف در رشد از مسیر بلندمدت، در دوره بعد از طریق متغیرهای الگو تصحیح می‌شود.

رابطه بلندمدت مؤید معنادار بودن تمامی متغیرهای مدل است و به‌خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های مالیاتی در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در ایران دارد و این سیاست در صورت مناسب بودن، می‌تواند کارایی لازم را در جهت افزایش رشد اقتصادی به‌همراه داشته باشد. همچنین در این بررسی مشخص شده است که تأثیر مخارج مصرفی دولت در دو بخش عمرانی و جاری کاملاً متفاوت است، به‌نحوی که مخارج مصرفی در بخش عمرانی، باتوجه به سهم بالای دولت در اقتصاد ایران، موجبات افزایش تولید ناخالص داخلی را در پی داشته است. از سوی دیگر، سیاست مخارج جاری، در بلندمدت، تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی داشته است که این نشان‌دهنده عدم توانایی

جدول ۶. نتایج رابطه تصحیح خطا

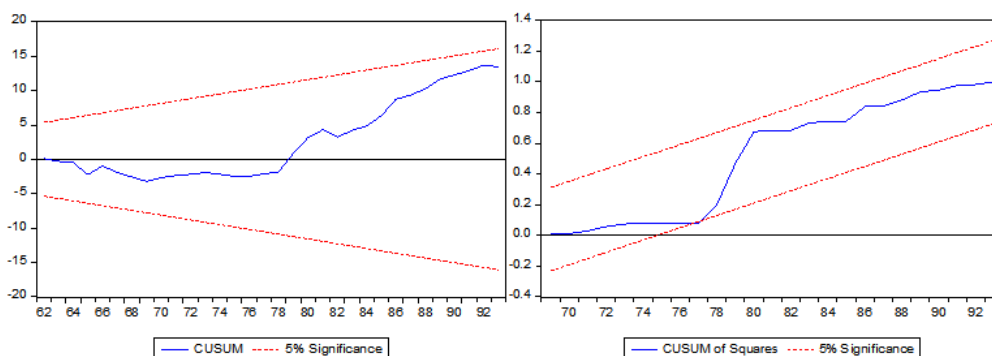
متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
DLOG(GDP(-1))	-۰/۲۱۴۷	-۷/۵۳۵۸	۰/۰۰۰۰
D(FDI_P)	۰/۰۲۰۲	۵/۹۱۸۸	۰/۰۰۰۰
DLOG(GOV_O)	۰/۱۸۹۳	۱۱/۳۵۶۷	۰/۰۰۰۰
DLOG(GOV_C)	-۰/۰۴۳۵	-۱/۷۸۷۹	۰/۰۸۳۳
D(OPEN)	۰/۴۳۱۶	۵/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۰
DLOG(TAX)	۰/۱۶۴۱	۸/۰۸۹۹	۰/۰۰۰۰
ECM(-1)	-۰/۲۰۰۱	-۱۰/۰۹۲۱	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

به عبارت دیگر، ضریب جمله تصحیح خطا نشان می‌دهد، در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته به سمت رابطه بلندمدت تعدیل می‌شود. یعنی در این مورد تجربی در هر دوره (سال) $0/2$ از عدم تعادل کوتاه‌مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود.

آزمون‌های ثبات ساختاری

آزمون ثبات، برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین وجود یا عدم وجود شکست ساختاری استفاده می‌شود. برای تشخیص این امر، از آزمون‌های مجذور تجمعی و مجموع مجذور تجمعی باقیمانده‌ها (CUSUM و CUSUM Q) استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها مؤید پایداری ضرایب برآوردی است و به دلیل قرارگرفتن در فاصله اطمینان ۹۵ درصد، شکست ساختاری در مدل وجود ندارد.



نمودار ۱. نمودار پایداری ضرایب (CUSUMSQ)

نمودار ۲. نمودار پایداری ضرایب (CUSUM)

— همچنین، در خصوص فرضیه رابطه مستقیم میان درجه باز بودن اقتصادی و رشد اقتصادی، می‌توان گفت که علامت متغیر درجه باز بودن اقتصاد بر رشد اقتصادی، مثبت و از لحاظ آماری در سطح ۱ درصد و با اطمینان بیش از ۹۵ درصد معنادار است. روابط تجاری که هر کشور در سطح بین‌الملل دارد، ممکن است بر رشد اقتصادی آن کشور تأثیرگذار باشد. — در خصوص فرضیه رابطه معکوس درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی نیز باتوجه به رد شدن این فرضیه، تأثیر درآمدهای مالیاتی دولت به‌عنوان یک سیاست مالی بر تولید ناخالص داخلی در ایران تأثیر مثبت و معنادار دارد. به‌لحاظ کانال کارایی تخصیصی، یکی از مهم‌ترین و مستقیم‌ترین اثرات سیاست مالی بر رشد، از طریق مالیات‌ها صورت می‌گیرد. در این مبحث نشان داده شده است که تأثیر درآمدهای مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی، مثبت و معنادار است. — باتوجه به فرضیه رابطه مثبت میان مخارج مصرفی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج براساس آزمون فرضیات

باتوجه به فرضیات پژوهش، درباره تحلیل نتایج پژوهش بررسی شده است. — وقفه تولید ناخالص داخلی تا دو سال تأثیر مثبت و معناداری بر این متغیر دارد و نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و افزایش در تولید ناخالص داخلی، موجب افزایش آن در سال‌های آتی می‌شود. — باتوجه به نتیجه مدل، می‌توان فرضیه رابطه مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی را اثبات کرد. اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد، مثبت و از لحاظ آماری معنادار است. سرمایه، موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

در زمینه نوسانات قیمت و تحریم، لزوم اجتناب از این سبک اخذ مالیات را ضروری ساخته است و در انتخاب پایه‌های مالیاتی فقط نباید به سهل‌الوصول بودن توجه کرد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

— شناسایی راهکارهای اجرایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در حوزه سیاست مالی، باتوجه به نتایج حاصل از این پژوهش

— از آنجا که پژوهش حاضر در مقطع زمانی خاص انجام گرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در فواصل زمانی مختلفی انجام گیرد تا نتایج بهتری حاصل آید و نیز نتایج آن در زمان‌های مختلف با هم مقایسه شود.

مرجع‌ها

عبده تبریزی، حسین؛ ۱۳۷۷. «مجموعه مقالات مالی و سرمایه‌گذاری (جلد اول)» انتشارات آگه با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران، نظریه بازار کارآمد سرمایه، ص ۹۲-۱۰۷. ختایی، محمود؛ همکاران؛ ۱۳۸۵. «اثر تغییر نرخ سود رسمی پیش بینی شده بر سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران». پژوهشکده پولی و بانکی تهران؛ ۱۳۸۵؛ ص ۴۲-۶۰.

صمدی، سعید، نصرالهی، خدیجه و کرمعلیان سیچانی، مرتضی، ۱۳۸۶. «بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم.

آذربایجانی، کریم؛ شهیدی، آمنه؛ محمدی، فرزانه. ۱۳۸۸. «بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد در چارچوب یک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده ARDL»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره دوم، ص ۱۷-۱.

ابونوری، اسمعیل؛ مردانی، محمدرضا. ۱۳۸۷. «اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خودرگرسیون برداری، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴۳-۱۱۷.

افشاری، زهرا؛ جوان، مورشین؛ شیرین‌بخش، شمس‌الله. زمستان ۱۳۹۱. «اثر تثبیت‌کنندگی خودکار سیاست‌های مالی بر

دولت و رشد، این فرضیه نیز رد شده است و مخارج مصرفی دولت، همان‌طور که مشخص است، باتوجه به تأثیر نوع مخارج عمرانی، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد. — همچنین، درمورد فرضیه مخارج جاری و رشد، فرضیه رابطه مستقیم رد شده است و تأثیر مخارج جاری دولت و مصارف دولت در بخش جار، باتوجه به تصدی‌گری و اندازه دولت در اقتصاد ایران، تأثیر منفی و معناداری را تا دو دوره بر تولید ناخالص داخلی در کشور دارد.

توصیه‌های سیاستی

— باتوجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود دولت برای برخورداری از رشد اقتصادی بالاتر، بر سیاست مالی مبتنی بر مخارج نسبت به مالیات، تمرکز بیشتری داشته باشد. بهتر است از ابزار مخارج دولت استفاده کند.

— ایجاد شرایط لازم برای افزایش کارایی و بهره‌وری نظام مالی از طریق خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، ورود بانک‌های خارجی به‌منظور گسترش رقابت در امور بانکی در زمینه استفاده از تکنولوژی‌های جدید، نوآوری و خلاقیت.

— باید توجه بیشتری به رشد تولید ناخالص داخلی داشت، چراکه بر رشد اقتصادی کشور اثر مثبتی دارد و باید درآمدهای حاصل از آن، در جریان سرمایه‌گذاری قرار گیرد تا زمینه درآمد در چرخه تولید فراهم شود.

— عدم وابستگی افزایش مخارج دولت به سیاست پولی، می‌تواند کارایی و اثرگذاری سیاست مالی را در دولت افزایش دهد.

— برای افزایش رشد اقتصادی در کشور ایران با انجام اعمال سیاست مالی تمرکززدایی مالی پیشنهاد می‌شود، قوانین شفاف و مشخص درآمد و مخارج برای تعریف روابط بین لایه‌های مختلف دولتی در چارچوب نظریه‌های مالی عمومی و انگیزه تدوین شود، و تخصص و مسئولیت‌پذیری در لایه‌های پایین دولتی (دولت‌های استانی و محلی) مدنظر قرار گیرد.

— عمده پایه‌های مالیاتی در کشور، پایه‌های مالیاتی سهل‌الوصول است. باید پذیرفت که تجربیات مختلف کشور

- محمدحسین تیزهوش تابان، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- راستی، محمد. ۱۳۸۹. «آثار درجه‌باز بودن تجاری و مالی بر عملکردهای اقتصادی؛ مطالعه موردی: کشورهای عضو گروه دی هشت»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۱۷۰-۱۶۱.
- رضاقلی‌زاده، مهدیه. ۱۳۹۴. «ارزیابی اثرات سیاست‌های مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران»، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، سال پنجم، شماره نهم، ص ۳۹-۵۰.
- رضایی، حسن و سلیمی‌فر، مصطفی. ۱۳۹۳. «رابطه توسعه مالی منطقه‌ای و رشد اقتصادی (تحلیل مبتنی بر داده‌های تابلویی)، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال ۲۲، شماره ۹، بهار و تابستان.
- رهبر، فرهاد و سرگلزایی، مصطفی. ۱۳۸۹. «بررسی آثار سیاست‌های مالی بر رشد اقتصادی و فقر، طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۶۳»، مجله تحقیقات اقتصادی، مقاله ۵، دوره ۴۶، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۸۹-۱۱۰.
- ستوده‌نیا، سلمان و عابدی، فریبا. ۱۳۹۲. «تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در تثبیت مالی ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره سوم، ص ۱۱۵-۱۰۳.
- سلمانی، بهزاد و امیری، بهزاد. زمستان ۱۳۸۸. «توسعه مالی و رشد اقتصاد؛ مورد کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۶، شماره ۴، ص ۱۴۵-۱۲۵.
- سوری، علی. ۱۳۹۰. کاربردهای اقتصاد سنجی، ناشر فرهنگ‌شناسی. شفیعی، افسانه؛ برومند، شهرزاد؛ تشکینی، احمد. ۱۳۸۳. «آزمون تأثیرگذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی»، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۱۲-۸۱.
- صمدی، سعیده؛ نصراللهی، خدیجه؛ کرملیان سیچانی، مرتضی. ۱۳۸۶. «بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره سوم.
- صمیمی، جعفر؛ میل‌علمی، زهرا؛ زروکی، شهریار. ۱۳۹۲. «بررسی سیکل تجاری در کشورهای منتخب عضو اوپک»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی). سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۵۰-۲۱.
- اکبریان، رضا و حیدری‌پور، سیدمحسن. ۱۳۸۸. «بررسی تأثیر توسعه بازار مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۵»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره سوم.
- امیری، بهزاد. ۱۳۸۷. بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
- بهشتی، مریم. ۱۳۸۹. بررسی ثبات سیاست مالی در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهراء [س].
- تفضلی، فریدون. ۱۳۷۵. تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- حقیقت، جعفر. ۱۳۷۸. «سیاست مالی و تجهیز پس‌اندازها برای رشد اقتصادی»، مجموعه مقالات نهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی.
- حیدری، حسن و سعیدپور، لسیان. ۱۳۹۳. «تجزیه و تحلیل تأثیر شوک‌های سیاست مالی و ضرایب فزاینده مالی اقتصاد ایران در چارپوب کدل کینزین‌های جدید»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال پنجم، شماره بیستم، خاکی، غلامرضا. ۱۳۹۰. روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. نشر بازتاب.
- خلیلی عراقی، منصور و سلیمی‌سندی، رقیه. ۱۳۹۳. «رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی؛ مطالعه موردی: کشورهای منتخب آسیایی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست‌ودوم، شماره ۷۱، ص ۱۵۶-۱۴۳.
- گجراتی، دامودار. ۱۳۸۵. مبانی اقتصادسنجی. ترجمه حمید ابریشمی. انتشارات دانشگاه تهران.
- دل‌انگیزان، سهراب و خزبر، اسماعیل. ۱۳۹۱. «مطالعه اثرات شوک‌های سیاست مالی بر رشد اقتصادی ایران، دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۳۸»، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره سوم.
- دورنبوش، رودریگر و فیشر، استانی. ۱۳۹۲. اقتصاد کلان. ترجمه

- Levine, Ross. 2004. The Corporate Governance of Banks: A Concise Discussion of Concepts and Evidence. Policy Research Working Paper; No. 3404.
- Gheorghe Ialomitianu, Răzvan; Leonard Danu, Aurelian; Bucoi, Alexandru. 2016. "The Effects of Fiscal Policies on the Economic Growth in Romania", *Bulletin of the Transylvanian University of Braşov, Series V: Economic Sciences*, Vol. 9(58), No. 2.
- Grazia Attinasi, Maria & Klemm, Alexander. 2016. "The Growth Impact of Discretionary Fiscal Policy Measures", *Journal of Macroeconomics* 49, 265-279.
- Zaheer Khan. 2011. "Impact of Fiscal Variables on Economic Development of Pakistan", *Romanian Journal of Fiscal Policy* 2(2), July-December, 1-10.
- Osuala, Alex E. & Jones, Ebieri. 2014. "Empirical Analysis of the Impact of Fiscal Policy on Economic Growth of Nigeria", *International Journal of Economics and Finance* 6(6).
- Ubesie Madubuko Cyril. 2016. "The Effect of Fiscal Policy on Economic Growth in Nigeria", *Journal of Finance and Accounting* 4(3), 140-145.
- Uchenna Agu, Sylvia; Okwo, Ifeoma Mary; Ugwunta, Okelue David; Idike, Adeline. 2015. "Fiscal Policy and Economic Growth in Nigeria: Emphasis on Various Components of Public Expenditure", *SAGE Open*, October-December 2015: 1-12 © The Author(s) 2015.
- اثربخشی ابزارهای سیاست مالی دولت در استان با داده‌های ترکیبی پویا و روش GMM سیستمی»، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۱، ص ۷۹-۶۱.
- غلامی، الهام و هژبرکیانی، کامبیز. ۱۳۹۲. «بررسی آثار سیاست‌های مالی در ایران با تأکید بر فضای کلان اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال چهارم، تابستان ۱۳۹۳.
- غلامی، الهام و هژبرکیانی، کامبیز. ۱۳۹۵. «بررسی کارایی سیاست‌های مالی انبساطی در ایران: مقایسه تطبیقی الگوی VAR خطی و آستانه‌ای»، فصلنامه اقتصاد مالی، سال دهم، شماره ۳۵.
- فلاحتی، علی؛ الماسی، مجتبی؛ آقایی، فاطمه. ۱۳۸۸. «تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۵۲»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۱، ص ۱۳۱-۱۰۹.
- قنبری، علی و رسولی، احمد. ۱۳۹۱. اقتصادسنجی. نشر چالش، محمدی، تیمور؛ ناظمیان، حمید؛ خداپرست پیرسرایبی، یونس؛ ۱۳۹۲. «بررسی رابطه علیت پویای بین توسعه مالی، بازبودن تجاری و رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۷۸-۱۵۱.
- مکیان، سیدنظام‌الدین و ایزدی، محمدرضا. ۱۳۹۴. «بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره ۶۲، ص ۱۶۲-۱۳۹.
- موتمنی، مانی. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران»، پژوهشنامه بررسی‌های بازرگانی ۳۴.
- نمازی، حسین. ۱۳۸۲. نظام‌های اقتصادی تهران. شرکت سهامی انتشار. (ص ۳۳۰)
- نوفروستی، محمد. ۱۳۷۸. ریشه واحد و هم‌جمعی در اقتصادسنجی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ویلیام اچ برانسون. ۱۳۸۴. تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان. ترجمه عباس شاکری. تهران: نشر نی. (ص ۴۸۷-۴۸۴).
- یونسی، علی؛ غفاری، هادی؛ پورکاظمی، محمدحسین. ۱۳۹۴. «سیاست‌های مالی و مطلوبیت خانوار: رویکرد یک مدل ریاضی»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۱۰۴-۷۹.